

نقش محافظه کاری حسابداری در رابطه بین ساختار مالکیت و عملکرد شرکت

فاطمه عبداللهی*، الهام حمیدی**

چکیده

امروزه حفظ منافع عمومی، رعایت حقوق سهامداران، ارتقای شفافیت اطاعات و الزام شرکتها به ایفای مسئولیتهای اجتماعی از مهمترین آرمانهایی است که بیش از گذشته، توسط مراجع مختلف نظارتی و اجرایی مورد توجه قرار گرفته است. تحقق این آرمانها مستلزم وجود ضوابط استوار و ساز و کارهای اجرایی مناسب است که مهمترین آنها نظام راهبری شرکتی می باشد. راهبری شرکتی می تواند باعث کاهش مشکلات نمایندگی بین سهامداران و مدیران شرکت شود، اما بدین منظور نیازمند بکارگیری سازوکار حمایتی است که بتواند تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سهامداران را کاهش دهد و اطلاعات حسابداری معتبری را برای تمامی ذینفعان فراهم کرده و باعث بهبود متغیر مالکیت شود. این سازوکار محافظه کاری حسابداری می باشد. نمونه آماری شامل ۱۰۴ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران (۸۳۲ سال شرکت) است که در بازه زمانی ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۶ مورد بررسی قرار گرفتند. به منظور اندازه گیری عملکرد شرکت از دو شاخص نرخ بازده دارایی و کیوتوین استفاده شده است. نتایج بررسی نشان می دهد که محافظه کاری حسابداری، قادر به تحکیم و تقویت تاثیر مثبت ساختار مالکیت بر عملکرد شرکت از طریق کاهش تضاد منافع و تقارن اطلاعاتی نیست.

واژه های کلیدی: محافظه کاری حسابداری، ساختار مالکیت، تمرکز مالکیت، مالکیت نهادی، عملکرد شرکت.

مقدمه

با جدا شدن مالکیت و مدیریت، مدیران به عنوان نماینده مالکان (سهامداران)، به اداره شرکت پرداختند. با شکل‌گیری رابطه نمایندگی، تضاد منافع بین مدیران و سهامداران ایجاد شد، بدان معنا که ممکن است مدیران دست به رفتارهای فرصت‌طلبانه بزنند و تصمیماتی اتخاذ نمایند که در جهت منافع آنها و عکس منافع سهامداران باشد (مهرانی و همکاران، ۱۳۸۹). در نتیجه این تفکیک، مدیران بر تمام فعالیتهای شرکت و درآمدهای حاصل تسلط پیدا کردند، ولی سهامداران که حضور روزانه در فعالیتهای شرکت نداشتند قادر به دستیابی به اطلاعات مانند مدیران نبودند و عدم تقارن اطلاعاتی ایجاد شد (کولینان و همکاران، ۲۰۱۲). منابع اطلاعاتی که برای سهامداران و دارندگان منافع برون سازمانی در گزارشهای مالی ارائه می‌شد، توسط مدیریت تهیه شده بود و این خود، بر شک و تردید نسبت به ایفای صحیح وظیفه مباشرتی مدیریت به عنوان نماینده سهامداران و اعتبار گزارشهای مالی می‌افزود. موازی با تسلط مدیریت بر اطلاعات حسابداری، تحقیق در مورد سازوکاری به جریان درآمد که از منافع سهامداران حمایت کند. یکی از این سازوکارها، راهبری شرکتی می‌باشد که مهمترین عنصر آن ساختار مالکیت است (افولابی و سی، ۲۰۱۶). راهبری شرکتی شامل قواعد، شیوه و فرایندهایی است که به وسیله آن یک شرکت مورد کنترل و هدایت قرار می‌گیرد. راهبری شرکتی اساساً منجر به متوازن شدن منافع بسیاری از عوامل موثر شرکت از جمله سهامداران، مدیران ارشد شرکت، مشتریان، اعتباردهندگان، سرمایه‌گذاران، دولت و جامعه است. از آنجایی که راهبری شرکتی مبنایی را جهت دستیابی به اهداف اصلی شرکت فراهم می‌آورد، تمام زمینه‌های مدیریتی، اندازگیری عملکرد، کنترل‌های داخلی و برنامه‌ریزی‌های عملیاتی را شامل می‌شود. راهبری شرکتی می‌تواند بر قابلیت اطمینان، یکپارچگی، شفافیت اطلاعات شرکت تاثیر بگذارد که این عامل منجر به حفظ سلامت مالی شرکت می‌شود. در صورتی که راهبری شرکتی به طور مناسب طراحی و اجرا شود، یک مجموعه شفاف از کنترل‌ها و قوانین و مقررات را ایجاد می‌کند که باعث جلوگیری از رفتار فرصت‌طلبانه سهامداران و مدیران در شرکت می‌شود (چن، ۲۰۱۹). یکی از اصلی‌ترین سازوکارهای راهبری شرکتی ساختار مالکیت است. رابطه بین ساختار مالکیت و عملکرد شرکت در دو دهه گذشته جزء موارد قابل توجه در زمینه راهبری شرکتی بوده است. راهبری شرکتی خوب بستگی به وجود دو

عامل، یکی تمرکز مالکیت مناسب و دومی توانایی در حفظ حقوق ذینفعان دارد (مانتیرو، ۲۰۱۹).

تعریف رایج از واژه ذینفعان توسط فریمن^۱ ارائه شده است که بیان می‌کند "ذینفعان گروه‌ها و افرادی هستند که می‌توانند بر شرکت اثر بگذارند و یا تحت تاثیر آن قرار گیرند. طبق تئوری ذینفعان علاوه بر سهامداران گروه‌ها و افراد مختلفی در یک شرکت مشارکت دارند. ابید و همکاران (۲۰۱۴)^۲ سه گروه از ذینفعان را که عبارت‌اند از متقاضیان بازار سرمایه (سهامداران، تامین‌کنندگان عمده سرمایه) ذینفعان ارزش آفرین (مشتریان اصلی، اعتبار دهندگان، اتحادیه‌ها) و ذینفعان درون‌سازمانی (مدیران و کارکنان) معرفی می‌کند. دونالدسون و پرستون^۳ (۱۹۹۵) ذینفعان سازمان را به سرمایه‌گذاران، گروه‌های سیاسی، مشتریان، جامعه، کارمندان، انجمنهای تجاری، تامین‌کنندگان و دولت تقسیم بندی می‌کند. طبقه بندی دیگری از پویولد و همکاران^۴ (۲۰۱۲) نیز ارائه شده است که شامل ذینفعان داخلی (مدیران و کارمندان) و ذینفعان خارجی (مشتریان، سهامداران، رقبا و اعتبار دهندگان) می‌باشد (مانتیرو، ۲۰۱۹). به گفته کادبری و مالین^۵ ساختار حاکمیت برای رفع عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و ذینفعان شرکت نیاز به اطلاعات با کیفیت و مناسب دارد. محافظه‌کاری حسابداری یکی از ویژگی‌های قابل توجه در گزارشگری مالی است. محافظه‌کاری یک واکنش محتاطانه نسبت به عدم قطعیت تعریف شده است. جدایی بین مدیران و سهامداران و عدم وجود تقارن اطلاعاتی بین آنها ممکن است باعث سوء استفاده مدیران در دستکاری اطلاعات مالی شود. مدیران احتمالاً به اطلاعات بیشتری نسبت به سهامداران از جمله جریان وجه نقد آتی دسترسی دارند که می‌توانند برای افزایش درآمد فعلی خویش از آن بهره‌مند شوند. محافظه‌کاری حسابداری نقش مهمی در جلوگیری ارائه پاداش بیش از حد به مدیران دارد (کولین و همکاران، ۲۰۱۹). محافظه‌کاری حسابداری، ابزاری است که اغلب برای ارزیابی کیفیت استانداردهای حسابداری استفاده می‌شود. محافظه‌کاری از رفتار فرصت‌طلبانه مدیران (برای مدیریت سود شرکت) جلوگیری می‌کند و خطر اخلاقی را کاهش می‌دهد. رویه حسابداری محافظه‌کارانه، مدیران را از خوشبینی بیش از حد در ارائه سود باز می‌دارد و طبعاً از پرداختهای اضافی (پاداشهای اضافی) به مدیران جلوگیری می‌کند. محافظه‌کاری حسابداری بخشی از سازوکارهای کارآمد شرکت محسوب می‌شود و باعث کارآتر شدن قرار داد بین گروه‌های

ذینفع در شرکت، کاهش بار مالیاتی وارده بر شرکت، کاهش احتمال طرح دعاوی حقوقی علیه شرکت و مدیران آن، بهبود کیفیت افشا، افزایش شفافیت و در نهایت افزایش ارزش شرکت می‌شود (واتر، ۲۰۱۳). محافظه‌کاری حسابداری به عنوان یک مکانیزم راهبری عمل می‌کند و نقش مهمی در کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و بهبود رفتار مدیران و راهبری شرکتی دارد (کولینان و همکاران، ۲۰۱۲). در تحقیقی که در سال ۲۰۱۱ توسط بالاچاندران و موهانرام^۶ انجام شد، آنها دریافتند محافظه‌کاری از یک طرف در محدود کردن آزادی عمل و خوشبینی مدیران، حمایت از حقوق ذینفعان و حل بسیاری از مشکلات نمایندگی و عدم تقارن اطلاعاتی نقش دارد. بکارگیری محافظه‌کاری حسابداری سبب اطمینان سرمایه‌گذاران و اعتبار دهندگان نسبت به پیش‌بینی‌ها و برآورد هایشان از حداقل بازده دریافتی می‌شود، بدین سان سبب افزایش قابلیت اتکای اطلاعات حسابداری می‌گردد. اما در مقابل استفاده از رویه‌های محافظه‌کاری حسابداری در گزارشگری مالی موجب بی‌اساس شدن اطلاعات حسابداری شده و از میزان مربوط بودن آن برای اتخاذ تصمیمات اقتصادی می‌کاهد. در این تحقیق، نقش محافظه‌کاری حسابداری در رابطه بین ساختار مالکیت و عملکرد شرکت، به عبارتی دیگر، آثار این اصل بر گزارشگری مالی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

مبانی نظری فرضیه‌ها و پیشینه

در این مطالعه، ابعاد ساختار مالکیت شامل تمرکز مالکیت، مالکیت نهادی، مورد بررسی خواهد گرفت. سازوکارهای راهبری شرکتی شامل ساختار مالکیت می‌تواند از طریق سرمایه‌گذاری در بخش تحقیق و توسعه به طور غیر مستقیم بر عملکرد شرکت تاثیر بگذارد (ژانگ و همکاران، ۲۰۱۴).

تمرکز مالکیت: ادبیات تحقیق بیان می‌کند که بین تمرکز مالکیت و عملکرد شرکت رابطه U شکل وجود دارد که سلب مالکیت از مدیریت سطوح پایین و نظارت موثر سطوح بالا را نشان می‌دهد. تئوری نمایندگی ادعا می‌کند که تمرکز مالکیت می‌تواند نظارت سهامداران را بر اعمال مدیریت تقویت کند و مانع از سوءاستفاده‌های مدیریت شود. این امر در بازارهایی که قوانین و مقررات قوی مانده ایالات متحده دارد، می‌تواند باعث حفظ منافع سهامداران شود.

سهامداران عمده و اقلیت دارای منافع و اهداف متفاوتی از هم هستند. در بازاری که قوانین و مقررات مربوط به حفظ منافع سهامداران اقلیت ضعیف است یا به طور کل وجود ندارد اگر سهامدار عمده کنترل شرکت را در دست بگیرند باعث ایجاد تاثیرات منفی در عملکرد شرکت می شود. از لحاظ تئوری می توان گفت افزایش تمرکز مالکیت منجر به کاهش هزینه های جدایی مالکیت و مدیریت و در نهایت سودمندی شرکت می شود، با این وجود سهامداران عمده می توانند از این پیشرفت تنها برای منافع خود بهره مند شوند و برای جلوگیری از اطلاع سایر سهامداران مدیریت را مجبور به ارائه گزارشهای مالی مطلوب از طریق ارائه اخبار خوب و به تعویق انداختن اخبار بد کند. اگر سهامداران عمده باعث انتقال ثروت از سمت سهامداران اقلیت به سمت خود شوند این رفتار می تواند کارایی عملیاتی شرکت را کاهش دهد و به ارزش شرکت آسیب برساند. این بدان معناست که محافظه کاری حسابداری می تواند نقش موثری بر روابط تمرکز مالکیت و عملکرد شرکت از طریق کاهش رفتار فرصت طلبانه سهامداران عمده داشته باشد (حمدان، ۲۰۱۷). چنین استدلالی ما را به فرضیه اول تحقیق می رساند.

فرضیه اول: محافظه کاری حسابداری می تواند نقش موثری در کاهش تاثیر منفی تمرکز مالکیت بر عملکرد شرکت ایفا کند.

مالکیت نهادی: وجود سهامداران نهادی در شرکت هایی با مدیریت ضعیف سبب بهبود عملکرد شرکت می گردد. سرمایه گذاران نهادی معمولاً سهامداران اصلی با توانایی سرمایه گذاری حرفه ای هستند، بنابراین آنها توانایی نظارت موثر بر مدیران شرکت را به منظور جلوگیری از رفتار فرصت طلبانه را دارند. انگیزه بزرگ سهامداران نهادی برای نظارت بر عملکرد مدیران نشأت گرفته از فرضیه نظارتی کارآمد است. سهامداران نهادی نقش مهمی در کاهش مشکلات شرکت دارند. آنها سهم قابل توجهی از سهام شرکت هدف را بدست می آورند تا بتوانند به مدیریت برای دست یابی به اطلاعات محرمانه و ممتاز و تاثیر بر عملکرد شرکت در جهت مطلوب، دسترسی پیدا کنند. سهاماران نهادی مهارت های پیشرفته مدیریتی، دانش حرفه ای و حق رای خود را به نفع مدیران به منظور بهبود کارایی و عملکرد شرکت و اداره آن اعمال می کنند. از طرفی اگر شرکت نیاز به تامین مالی برای توسعه و گسترش فعالیت خود داشته باشد، سهامداران نهادی با استفاده از نفوذ و روابط خود به شرکت در جهت

تامین مالی کمک خواهند کرد. سهامداران نهادی برای اینکه بتوانند بهترین تصمیمات را درخصوص برنامه‌های شرکت به عمل آورند نیاز به اطلاعات با کیفیت حسابداری دارند. در اینجا محافظه‌کاری حسابداری قادر است به عنوان یکی از ابزارهای گزارشگری مالی اطلاعات با کیفیت و قابل اتکا را به سهامداران برای اتخاذ تصمیمات اقتصادی ارائه نماید. در نتیجه فرض دوم پژوهش به صورت زیر شکل خواهد گرفت (مانتیرو، ۲۰۱۹).

فرضیه دوم: محافظه‌کاری حسابداری می‌تواند نقش موثری در افزایش تاثیر مثبت مالکیت نهادی بر عملکرد شرکت ایفا کند. در ادامه به صورت مختصر گوشه‌ای از تحقیقات صورت گرفته در رابطه با موضوع پژوهش حاضر عنوان می‌شود. کولین و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهش خود با عنوان "بررسی راهبری شرکتی و محافظه‌کاری حسابداری در مصر" به بررسی تاثیر مکانیزم‌های راهبری شرکتی (اندازه هیات‌مدیره، استقلال هیات‌مدیره، جداسازی نقش دوگانه مدیرعامل و نوع حسابرسی خارجی) بر حسابداری مصر پرداخت. داده‌های جمع‌آوری شده از راهبری شرکتی و محافظه‌کاری حسابداری به وسیله رگرسیون چند متغیره مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌های پژوهش حاکی از ارتباط بین استقلال هیات‌مدیره و محافظه‌کاری حسابداری می‌باشد. در مقابل اندازه هیات‌مدیره و نوع حسابرسی داخلی با محافظه‌کاری حسابداری رابطه معکوس دارد و بین نقش دوگانه مدیرعامل بر محافظه‌کاری حسابداری رابطه‌ای یافت نشد. ابو زریق و همکاران (۲۰۱۸)^۷ به بررسی "تاثیر ساختار مالکیت بر عملکرد شرکت در اردن" پرداخت. وی در این مطالعه در تلاش برای دستیابی به هدف اصلی با بررسی رابطه بین ساختار مالکیت و عملکرد شرکت بود. این مطالعه با استفاده از رگرسیون معمولی برای آزمون رابطه متغیرها انجام گرفت و داده‌های مربوط از ۲۲۸ شرکت صنعتی و خدماتی تشکیل شده است. ساختار مالکیت از دو بعد مالکیت خارجی و خانوادگی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج تحقیق نشان داد بین ساختار مالکیت و عملکرد شرکت رابطه معنادار وجود دارد. حمدان^۸ (۲۰۱۷) در پژوهش خود با عنوان "نقش محافظه‌کاری حسابداری بر رابطه بین ساختار مالکیت و عملکرد شرکت" به بررسی رابطه بین این متغیرها پرداخت. وی داده‌های ۲۱۵ شرکت عضو شورای همکاری خلیج فارس را طی دو سال (۲۰۱۵-۲۰۱۳) مورد مطالعه قرار داد و جهت محاسبه و اندازه‌گیری عملکرد شرکت از دو مدل نرخ

بازده دارایی‌ها و کیوتوین استفاده کرد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن بود که، محافظه‌کاری حسابداری در بازارهای مالی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج نقش بسیار مهمی در کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و بهبود کنترل بر رفتار مدیریت دارد. این مطالعه همچنین نشان داد که تمرکز مالکیت تاثیر منفی بر بازده دارایی دارد، در حالی که محافظه‌کاری حسابداری قادر است این تاثیر منفی را کاهش و اطلاعات مفید برای سهامداران را ارائه دهد. همچنین روشن شد که محافظه‌کاری حسابداری نقش مهمی در تحکیم رابطه مثبت بین مالکیت مدیریت و عملکرد شرکت دارد. در نهایت محافظه‌کاری حسابداری نقش مالکیت نهادی را در بهبود عملکرد شرکت‌های عضو شورای همکاری خلیج افزایش می‌دهد. شاین و جانگ^۹ (۲۰۱۷) در پژوهش خود با عنوان "اثرات ساختار مالکیت بر عملکرد شرکت: با استفاده از شواهد به دست آمده از شرکت‌های ثبت شده در چین" به بررسی به بررسی رابطه بین این دو مولفه پرداختند. از رگرسیون پانلی برای آزمون فرضیه‌های پژوهش استفاده شده است. داده‌های سالیانه ۲۸۸ شرکت واقع در چین از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۱ مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که بین تمرکز مالکیت و عملکرد شرکت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد، به گونه‌ای که تغییر در تمرکز مالکیت باعث کاهش چشمگیر عملکرد شرکت می‌شود. همچنان که زمان جلو می‌رود، اثرات منفی ساختار مالکیت بر عملکرد شرکت، به تدریج ناپدید می‌شوند و حتی ممکن است مبدل به اثرات مثبت بر روی آن شود. بنابراین برای سهامداران عمده بسیار مهم است که سهام خود را به مدت طولانی نگهدارند و برای حفظ مالکیت پایدار، تلاش کنند. النیمر و همکاران^{۱۰} (۲۰۱۷) در پژوهش خود با عنوان "اثرات محافظه‌کاری حسابداری بر ساختار مالکیت: با استفاده از شواهد به دست آمده از شرکتهای صنعتی و مالی ثبت شده در اردن" به بررسی اثرات محافظه‌کاری بر ساختار مالکیت پرداختند. جامعه آماری شامل ۹۹ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار عمان (پایتخت اردن) است که در بازه زمانی ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۳ مورد بررسی و مطالعه قرار گرفت. برای تجزیه و تحلیل فرضیه‌های پژوهش از رگرسیون چندگانه استفاده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد بین مالکیت دولتی و محافظه‌کاری حسابداری رابطه معکوس و بین مالکیت خارجی و نهادی و محافظه‌کاری حسابداری رابطه مثبت و معناداری بر قرار است. همچنین نشان داده شد که تمرکز مالکیت بر محافظه‌کاری حسابداری تاثیر نمی‌گذارد.

رضایی و محمدزاده (۱۳۹۷) در پژوهش "بررسی تاثیر راهبری شرکتی بر عملکرد مالی و بحران مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار" به بررسی کیفیت راهبری شرکتی بر عملکرد شرکت‌ها و بحران مالی آنها پرداخت. برای ارزیابی راهبری شرکتی شرکت‌های تحت بررسی، از چهار بعد افشا و شفافیت، ترکیب هیات‌مدیره، حق رای سهامداران استفاده کرد. نمونه مورد بررسی شامل ۱۰۲ شرکت طی سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۴ است. نتایج به دست آمده دلالت بر این دارد که کیفیت راهبری شرکتی بر ROA، ROE و ارزش شرکت تاثیر دارد و با بحران مالی تاثیر معناداری ندارد. سوری و رخشانی (۱۳۹۶) در پژوهش خود با عنوان "بررسی رابطه بین ساختار مالکیت دولتی و محافظه کاری حسابداری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار" به بررسی تاثیر ساختار مالکیت و محافظه کاری حسابداری پرداختند. دوره زمانی مورد مطالعه سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ و نمونه انتخابی ۱۵۱ شرکت می باشد. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از رگرسیون پانل بهره گرفته است. نتایج حاکی از آزمون فرضیه‌های پژوهش حاکی از آن است که ساختار مالکیت دولتی بر محافظه کاری حسابداری رابطه معنادار و معکوسی دارد. امامی و بدیعی (۱۳۹۵) در تحقیق خود با عنوان "تاثیر نظام راهبری شرکتی بر محافظه کاری حسابداری" به بررسی تاثیر اعضای غیر موظف هیات‌مدیره و وظیفه دوگانه مدیرعامل را به عنوان راهبری شرکتی قوی بر محافظه کاری حسابداری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. برای انجام تحقیق از داده‌های ۷۶ شرکت، طی دوره زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۳ استفاده کردند. برای ارزیابی محافظه کاری حسابداری از مدل باسو و برای آزمون فرضیه‌ها از روش تجزیه و تحلیل پانلی استفاده شده است. نتایج این پژوهش حاکی از آنست که نظام راهبری شرکتی قوی، محافظه کاری را افزایش می‌دهد. کم (۱۳۹۲) در پژوهش خود با عنوان "بررسی رابطه بین ساختار مالکیت و محافظه کاری حسابداری" رابطه بین ساختار مالکیت و محافظه کاری حسابداری در ۱۰۴ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای دوره زمانی ۶ ساله ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۹ مورد بررسی قرار داده است. فرضیه اصلی این تحقیق بررسی وجود رابطه معنادار بین ساختار مالکیت و محافظه کاری حسابداری است که در ساختار مالکیت میزان مالکیت بزرگترین سهامدار، سهامداران نهادی فعال و غیر فعال، سهامداران حقیقی و نهایتاً اعضای هیات‌مدیره مد نظر بوده است. برای بررسی محافظه کاری نیز از دو مدل باسو و مدل گیولی و هاین استفاده

شد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که در مدل باسو بین محافظه‌کاری حسابداری و درصد سهامداران نهادی فعال و سهامداران مدیریتی رابطه معنادار وجود دارد و در مدل گیولی و هاین بین هیچکدام از ساختارهای مالکیت و محافظه‌کاری حسابداری رابطه معناداری یافت نشد. همچنین براساس هر دو مدل وجود رابطه معنادار بین محافظه‌کاری حسابداری و اهرم مالی به تأیید رسید. جعفر نکونام و محمد نکونام (۱۳۹۱) در تحقیق خود با عنوان "بررسی رابطه بین ساختار مالکیت و محافظه‌کاری حسابداری" به بررسی رابطه بین این دو متغیر در شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. جامعه آماری شامل ۷۴ شرکت عضو بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹ انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفت. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از رگرسیون خطی استفاده شد. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها نشان می‌دهد که بین سطح مالکیت نهادی، مالکیت مدیریتی و تمرکز مالکیت با محافظه‌کاری حسابداری رابطه معکوس و منفی و بین مالکیت شرکتی و محافظه‌کاری حسابداری رابطه مستقیم و مثبت وجود دارد.

روش‌شناسی

به دلیل اینکه نتایج حاصل از پژوهش می‌تواند در فرایند تصمیم‌گیری استفاده شوند این تحقیق از لحاظ هدف کاربردی و با توجه به مدل تحقیق که از اطلاعات واقعی گذشته استفاده می‌کند طرح تحقیق پس رویدادی می‌باشد. این تحقیق از جمله تحقیقات همبستگی و تحلیلی است. برای گردآوری داده‌های مربوط به ادبیات تحقیق از روش کتابخانه‌ای نظیر کتب، مجلات و مقالات علمی پژوهشی و برای جمع‌آوری اطلاعات مربوط به فرضیه و متغیرها از پایگاه‌های اطلاعاتی مربوط مانند سایت کدال و رهاورد نوین استفاده شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، ابتدا داده‌های گردآوری شده را به صفحه گسترده Excel منتقل و پس از سازماندهی و انجام محاسبات لازم، برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از نرم افزار اقتصادسنجی Eviews نسخه ۸ استفاده، سپس آمار توصیفی ارائه می‌شود و پس از آن با استفاده از آزمونهای آماری به تجزیه و تحلیل ناهمسانی واریانس و همبستگی داده‌های تحقیق پرداخته می‌شود و بعد با تجزیه و تحلیل الگوی رگرسیونی حاصل از فرآیند تحقیق و بررسی معناداری مدل رگرسیون و ضرایب متغیرها اقدام به تأیید یا رد فرضیات می‌گردد. جامعه آماری این تحقیق شامل شرکت‌های

پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران که از سال ۱۳۸۹ تا پایان سال ۱۳۹۶ عضو بورس اوراق بهادار باشند. محدودیت‌های اعمال شده به منظور انتخاب نمونه به شرح زیر می‌باشد.

۱. در طی دوره مورد مطالعه به طور مداوم در بورس اوراق بهادار تهران فعال بوده و اطلاعات مالی آنها منتشر شده باشند. شرکت‌هایی که در طول دوره تحقیق اطلاعات مالی آنها در دسترس نباشد و یا به طور کامل در این سال‌ها در بورس فعالیت نداشته باشند از جامعه اماری تحقیق حذف خواهند شد.

۲. شرکت‌های عضو صنایع واسطه گروه مالی، هلدینگ و بانک‌ها و بیمه‌ها نباشند.

۳. سال مالی شرکت‌ها به ۲۹ اسفند ختم شده باشند.

با اعمال محدودیتهای فوق ۱۰۴ شرکت به عنوان جامعه مطالعاتی تحقیق از بین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی ۸ دوره از سال ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۶ مورد بررسی قرار گرفتند. حجم نهایی نمونه ۸۳۲ سال-شرکت می‌باشد که به‌عنوان داده‌ها در آزمون فرضیه‌ها استفاده شده‌اند.

مدلها و متغیرها

برای آزمون فرضیه‌های این پژوهش، از مدل پژوهش حمدان (۲۰۱۷) استفاده شده است. وی برای آزمون فرضیه‌های خود از دو شاخص برای اندازه‌گیری عملکرد شرکت استفاده نمود. اولین شاخص نرخ بازده دارایی و دومین، کیوتوبین می‌باشد. در ابتدا رابطه بین مالکیت نهادی و تمرکز مالکیت بر عملکرد شرکت، با استفاده از مدل‌های ۱ و ۲ به شرح زیر بررسی می‌گردد:

مدل (۱)

$$\text{Firm perf (ROA)}_{itg} = \beta_0 + \beta_1 (\text{Conc})_{itg} + \beta_2 (\text{Instit})_{itg} + \beta_3 \text{Size}_{itg} + \beta_4 \text{Leverage}_{itg} + \beta_5 \text{Age}_{itg} + \varepsilon_{itg}$$

مدل (۲)

$$\text{Firm perf (Q)}_{itg} = \beta_0 + \beta_1 (\text{Conc})_{itg} + \beta_2 (\text{Instit})_{itg} + \beta_3 \text{Size}_{itg} + \beta_4 \text{Leverage}_{itg} + \beta_5 \text{Age}_{itg} + \varepsilon_{itg}$$

متغیر وابسته: عملکرد شرکت (Firm perf)، متغیر مستقل: تمرکز مالکیت (Conc) و

مالکیت نهادی (Instit)، متغیر کنترلی: اندازه شرکت (Size)، عمر شرکت (Age) و

اهرم مالی (Leverage)

سرمایه‌گذاران نهادی طبق بند ۲۷ ماده یک قانون بازار اوراق بهادار ج.ا.ا عبارتند از:

۱. بانکها و بیمه ۲. هلدینگ‌ها، شرکتهای سرمایه‌گذاری، صندوق بازنشستگی، شرکت تامین سرمایه و صندوق‌های سرمایه‌گذاری ثبت شده نزد سازمان بورس اوراق بهادار ۳. هر شخص حقیقی و حقوقی که بیش از ۵٪ یا بیش از ۵ میلیارد ریال از ارزش اسمی اوراق بهادار در دست انتشار را خریداری کند ۴. سازمان‌ها و نهادهای دولتی و عمومی ۵. شرکتهای دولتی ۶. اعضای هیات‌مدیره و مدیران ناشر یا اشخاصی که کارکرد مشابه دارند. در این مدل پیش‌بینی می‌شود بین مالکیت نهادی و عملکرد شرکت رابطه مثبت و معناداری وجود خواهد داشت در صورتی که پیش‌بینی‌ها حاکی از وجود رابطه منفی بین تمرکز مالکیت و عملکرد شرکت است.

در نهایت برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از مدل ۳ و ۴ به شرح زیر استفاده می‌شود:

مدل (۳)

$$\text{Firm perf (ROA)}_{itg} = \beta_0 + \beta_1 (\text{Conc} * \text{Conser})_{itg} + \beta_2 (\text{Instit} * \text{Conser})_{itg} + \beta_3 \text{Size}_{itg} + \beta_4 \text{Leverage}_{itg} + \beta_5 \text{Age}_{itg} + \varepsilon_{itg}$$

مدل (۴)

$$\text{Firm perf (Q)}_{itg} = \beta_0 + \beta_1 (\text{Conc} * \text{Conser})_{itg} + \beta_2 (\text{Instit} * \text{Conser})_{itg} + \beta_3 \text{Size}_{itg} + \beta_4 \text{Leverage}_{itg} + \beta_5 \text{Age}_{itg} + \varepsilon_{itg}$$

متغیر تعدیلگر: محافظه‌کاری حسابداری (Conser) در این مدل پیش‌بینی می‌شود محافظه‌کاری حسابداری می‌تواند نقش موثری در افزایش تاثیر مثبت مالکیت نهادی و نقش موثری در کاهش تاثیر منفی تمرکز مالکیت بر عملکرد شرکت ایفا کند. با مقایسه نتایج حاصل از برآورد مدل‌های فوق فرضیات پژوهش که در خصوص بررسی نقش محافظه‌کاری حسابداری در رابطه بین ساختار مالکیت و عملکرد می‌باشد، رد یا قبول خواهد شد. در هر پژوهش متغیرهای زیادی بر متغیر وابسته تاثیرگذار هستند که در یک تحقیق اثر تمام این متغیرها را بر یکدیگر نمی‌توان به شیوه همزمان مطالعه کرد، بنابراین پژوهشگر اثر برخی از متغیرها را کنترل نموده یا خنثی می‌کند، این نوع متغیرها متغیر کنترل نامیده می‌شود (خاکی، ۱۳۹۱). در این پژوهش سه متغیر کنترلی عمر شرکت، اندازه شرکت و اهرم مالی در نظر گرفته شده تا با کنترل تاثیراتی که بر متغیر وابسته دارند تاثیرات متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته دقیق‌تر اندازه‌گیری شود.

جدول ۱. متغیرها و تعاریف عملیاتی

متغیرها	تعاریف عملیاتی
متغیر وابسته:	
نرخ بازده دارایی	نسبت در سود خالص به مجموع دارایی‌ها
کیو توین	مجموع (ارزش دفتری بدهی‌های کوتاه مدت و ارزش بازار حقوق صاحبان سهام) تقسیم بر ارزش دفتری مجموع دارایی‌ها
متغیر مستقل:	
تمرکز مالکیت	درصد سهم سهامدار عمده شرکت (رتبه ۱) تقسیم بر مجموع درصد سهم ۵ سهامدار عمده شرکت (رتبه ۱-۵)
مالکیت نهادی	سهم سهام متعلق به سهامداران نهادی
متغیر تعدیل‌گر:	
محافظه‌کاری حسابداری	مجموع اقلام تعهدی تقسیم بر سود خالص. مجموع اقلام تعهدی برابر است با جریان نقد ناشی از فعالیت عملیاتی به کسر از سود خالص
متغیر کنترلی:	
اندازه شرکت	لگاریتم مجموع دارایی‌های شرکت
اهرم مالی	جمع بدهی‌ها تقسیم بر دارایی‌ها
عمر شرکت	تعداد سال‌هایی که شرکت در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده است.

تعاریف عملیاتی ارائه شده در جدول ۱ برگرفته از پژوهش حمدان (۲۰۱۷) می‌باشد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

آمار توصیفی: جدول ۲ آمار توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد که بیانگر پارامترهای توصیفی برای هر متغیر به صورت مجزا است. این پارامترها عمدتاً شامل اطلاعات مربوط به شاخص‌های مرکزی، نظیر بیشینه، کمینه، میانگین و میانه و همچنین اطلاعات مربوط به شاخص‌های پراکندگی نظیر انحراف معیار است. مهم‌ترین شاخص مرکزی میانگین است که نشان دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است و شاخص مناسبی برای نشان دادن مرکزیت داده‌هاست.

جدول ۲. آمار توصیفی متغیرها

متغیر	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار	چولگی	کشدگی
ROA	۰/۱۰۰	۰/۰۸۵	۰/۸۰۴	-۰/۵۴۱	۰/۱۶۱	۰/۲۱۹	۴/۸۶۹
Q	۱/۸۳۰	۱/۵۶۰	۷/۶۶۶	۰/۶۶۲	۰/۹۰۵	۲/۱۳۶	۹/۴۱۹
SIZE	۱۴/۲۸۵	۱۴/۰۶۲	۱۹/۲۴۹	۱۰/۹۵۲	۰/۳۳۶	۰/۶۴۸	۳/۳۷۲
LEV	۰/۶۰۲	۰/۶۲۶	۰/۹۹۸	۰/۰۴۱	۰/۲۰۷	-۰/۳۸۲	۲/۶۴۸
CONSER	۰/۳۳۷	۰/۲۹۸	۱۶/۶۹۶	-۱۳/۸۱۳	۲/۸۵۶	۰/۵۲۷	۱۲/۳۶۴
INSTIT	۰/۶۰۲	۰/۷۲۴	۰/۹۹۶	۰/۰۰۰	۰/۳۳۴	-۰/۶۳۶	۱/۹۱۴
CONC	۰/۷۳۴	۰/۷۸۰	۰/۹۹۰	۰/۲۰۰۸	۰/۱۹۳	-۱/۳۰۴	۴/۸۹۴
AGE	۲۸/۸۱۷	۲۶/۰۰۰	۶۰/۰	۳/۰۰۰	۱۴/۳۷۰	۰/۲۳۲	۱/۸۱۸

باتوجه به مقادیر میانه، میانگین، چولگی و کشیدگی نمایش داده شده در جدول (۲) متوجه خواهیم شد توزیع متغیرهای مورد آزمون از تعریف توزیع نرمال فاصله دارد. شایان ذکر است زمانی که اندازه نمونه به اندازه کافی بزرگ باشد، انحراف از فرض نرمال بودن معمولاً بی‌اهمیت و پیامدهای آن ناچیز است. با توجه به قضیه حد مرکزی، می‌توان دریافت که حتی در غیاب نرمال بودن، آماره‌های آزمون به‌طور مجانبی از توزیع‌های مناسب پیروی خواهند کرد. لذا عدم توجه این فرضیه قابل اغماض است (صنعی آباد، ۱۳۹۲). از سویی دیگر، برقراری تمام فروض کلاسیک در شرایط واقعی چندان قابل دستیابی نیست و عدم برقراری برخی از آن‌ها، نتایج مدل برآورد شده را (به‌ویژه در نمونه‌های بزرگ) به‌طور کامل خدشه‌دار نمی‌کند. ضمناً زمانی که اندازه نمونه به میزان کافی بزرگ باشد و سایر فروض کلاسیک نیز برقرار باشد، انحراف از نرمال بودن معمولاً بی‌اهمیت و پیامدهای آن ناچیز است (افلاطونی، ۱۳۹۲) تحلیل همبستگی: تجزیه و تحلیل همبستگی، ابزاری آماری است که به وسیله آن می‌توان درجه‌ای را اندازه‌گیری کرد که یک متغیر به متغیر دیگر، از نظر خطی مرتبط است. همبستگی را به‌طور معمول با تحلیل رگرسیون بکار می‌برند. همبستگی معیاری است که برای تعیین میزان پیوند دو متغیر استفاده می‌شود. در صورتی که متغیرهای تحقیق با مقیاس نسبی و پیوسته باشند از ضریب همبستگی پیرسون و در صورت کم بودن تعداد متغیرها از ضریب همبستگی اسپرمن همواره بین $+1$ و -1 است. هر چقدر این ضریب به عدد $+1$ نزدیکتر باشد، نشان از وجود همبستگی زیاد و مستقیم بین دو متغیر است و اگر ضریب همبستگی پیرسون به عدد -1 نزدیکتر باشد، مفهوم آن همبستگی زیاد و معکوس بین آن‌ها است. اگر چه قواعد سهل و سریعی برای متمایز کردن همبستگی زیاد از کم وجود ندارد اما، وجود قاعده‌ای برای تفسیر مقادیرهای مختلف ضریب همبستگی می‌تواند مفید باشد. چنین قاعده‌ای ارائه شده است اما، باید در استفاده از آن احتیاط شود.

با توجه به جدول ۳، همانگونه که مشاهده می‌شود غیر از میزان همبستگی بین متغیر مالکیت نهادی و تمرکز مالکیت که برابر با $0/495$ و اهرم مالی و نرخ بازده داراییها که برابر با $0/574$ است، میزان همبستگی بین سایر متغیرهای تحقیق تقریباً نزدیک به صفر است که می‌توان نتیجه گرفت همبستگی و احتمالاً مشکل همخطی بین آنها وجود ندارد. اما برای انجام بررسی‌های دقیق‌تر از آزمون وایف که شدت همبستگی متغیرهای مستقل را در مدل رگرسیونی بررسی می‌کند استفاده خواهد شد.

جدول ۳. ضریب همبستگی اسپرمن بین متغیرهای تحقیق

۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
							۱	ROA
						۱	۰/۲۵۲	Q
					۱	-۰/۱۴۹	/۰۴۵	SIZE
			۱	۰/۰۳۵	۰/۱۴۹	-۰/۰۳۵	-۰/۵۷۴	LEV
		۱	-۰/۰۲۹	۰/۰۳۲	۰/۱۲۹	-۰/۰۴۶	۰/۱۰۱	CONSER
	۱	۰/۴۹۵	۰/۰۰۷	۰/۱۰۱	۰/۰۷۷	-۰/۰۳۱	۰/۰۹۲	CONC
۱	-۰/۱۵۲	-۰/۰۷۲	۰/۰۷۷	۰/۱۲۶	۰/۱۳۸	-۰/۰۰۱	-۰/۱۸۳	AGE

در واقع آزمون وایف بیان می‌کند چه مقدار از تغییرات مربوط به ضرایب برآورد شده بابت همخطی افزایش یافته است. شدت همخطی چندگانه را با بررسی بزرگی مقدار VIF می‌توان تحلیل نمود. به عنوان یک قاعده تجربی در صورتی که مقدار VIF بزرگتر از ۵ باشد همخطی چند گانه بالا می‌باشد و ضرایب رگرسیون به صورت ضعیف برآورد شده است (توجه شود در برخی موارد عدد ۱۰ به عنوان آستانه معرفی می‌گردد). جدول ۴ نتایج حاصل از آزمون VIF را نشان می‌دهد.

جدول ۴. نتایج حاصل از آزمون VIF

VIF	متغیر مدل (۳و۴)	VIF	متغیر مدل (۱و۲)
۱/۳۷۸	CONSER*INSTIT	۱/۳۶۳	INSTIT
۱/۳۸۷	CONSER*CONC	۱/۳۹۸	CONC
۱/۰۳۳	SIZE	۱/۰۵۳	SIZE
۱/۰۳۰۴	LEV	۱/۰۵۰	LEV
۱/۰۳۵	AGE	۱/۰۷۱	AGE

با توجه به نتایج جدول ۴ احتمال آماره وایف تقریباً به یک نزدیک است. براین اساس، می‌توان نتیجه گرفت که مشکل همخطی بین متغیرهای مستقل وجود ندارد و ضرایب برآورد شده از مدل OLS ناکارا و ناریب نخواهند بود.

همسانی واریانس: این فرض برابر بودن واریانس خطاها را به عنوان فرض همسانی واریانس ها بیان می‌کند. برای آزمون این فرض از آزمون عمومی وایت استفاده شده است و با توجه به سطح خطای ۰/۰۵ بین باقی مانده های مدل همسانی واریانس وجود ندارد.

خود همبستگی: این آزمون به منظور ارزیابی اینکه آیا خطاهای متوالی با یکدیگر همبسته هستند یا نه، استفاده می‌شود. در این پژوهش از آماره بروش-گادفری برای بررسی وجود خود همبستگی بین باقی مانده ها در تحلیل رگرسیون استفاده شده است. با توجه به احتمال آماره بروش گادفری، که در هر ۴ الگو بزرگتر از ۵ درصد است می‌توان بیان کرد که خود همبستگی بین باقیمانده مدل وجود ندارد.

جدول ۵. نتایج آزمون همسانی واریانس و خود همبستگی باقیمانده ها

نتایج آزمون پرورش گادفری		نتایج آزمون وایت		مدل مورد بررسی
احتمال آماره پرورش گادفری	آماره پرورش گادفری	احتمال آماره وایت (white)	آماره وایت (white)	
۰/۱۷۴	۱/۵۴۱	۰/۱۰۳	۱/۴۴۰	مدل (۱)
۰/۰۷۷	۱/۹۹۳	۰/۰۶۶	۱/۵۴۵	مدل (۲)
۰/۳۳۸	۱/۵۰۹	۰/۱۹۸	۱/۲۷۰	مدل (۳)
۰/۰۸۶۲	۱/۹۳۸	۰/۸۵۴	۰/۶۷۲	مدل (۴)

نتایج آزمون فرضیه ها: در این پژوهش ۴ مدل مورد بررسی قرار گرفته است. مدل‌های ۲ و ۱ به منظور بررسی رابطه بین ساختار مالکیت و عملکرد شرکت مورد استفاده قرار گرفت. در این مدل‌ها تاثیر متغیرهای مستقل: تمرکز مالکیت و مالکیت نهادی بر روی متغیر وابسته که بوسیله دو شاخص نرخ بازده دارایی‌ها و کیو توبین اندازه‌گیری شد، بررسی شده است. مدل‌های ۳ و ۴ به منظور بررسی نقش و تاثیر محافظه‌کاری حسابداری به عنوان یک متغیر تعدیرگر بر روابط فوق، مورد استفاده قرار گرفت. براساس نتایج به دست آمده از آزمون چاو و هاسمن الگوی داده‌های تابلویی با اثرات ثابت برای مدل‌های ۲ و ۳ و الگوی داده تابلویی با رویکرد اثرات تصادفی برای مدل‌های ۱ و ۴ روش ارجح است؛ بنابراین، به تخمین مدل‌های پژوهش با توجه به روش ارجح در سطح اطمینان ۹۵٪ پرداخته شد است. در ادامه با توجه به جداول ۶ و ۷ به بررسی نتایج این ۴ مدل می‌پردازیم.

جدول ۶. نتایج حاصل از برآورد الگوهای ۳ و ۴

مدل ROA (نتایج حاصل از مدل ۳ و ۴)						
متغیرها	تعدیل مدل با اعمال محافظه‌کاری حسابداری			بدون تعدیل مدل		
	تعدیل مدل با اعمال محافظه‌کاری حسابداری	تعدیل مدل با اعمال محافظه‌کاری حسابداری	تعدیل مدل با اعمال محافظه‌کاری حسابداری	بدون تعدیل مدل	بدون تعدیل مدل	بدون تعدیل مدل
	β	آماره t	احتمال آماره t	β	آماره t	احتمال آماره t
α_0	۰/۰۵۲	۰/۹۵۰	۰/۳۴۲	-۰/۰۲۵	-۰/۴۳۵	۰/۶۶۳
INSTIT	۰/۰۵۹			۰/۰۵۹	۲/۸۵۳	۰/۰۰۴۴
CONC	۰/۰۸۹			۰/۰۸۹	۲/۷۴۱	۰/۰۰۶۳
*INSTIT	۰/۰۰۵۷	۲/۰۰۱	۰/۰۴۵۷	۰/۰۰۵۷	۲/۰۰۱	۰/۰۴۵۷
*CONC	۰/۰۰۶۹	۲/۰۸۹	۰/۰۳۶۹	۰/۰۰۶۹	۲/۰۸۹	۰/۰۳۶۹
CONSER	۰/۰۱۹۷	۵/۱۴۱	۰/۰۰۰۰	۰/۰۱۹۷	۵/۱۴۱	۰/۰۰۰۰
SIZE	-۰/۰۳۶۹	-۱۳/۵۳۳	۰/۰۰۰۰	-۰/۰۳۶۹	-۱۳/۵۳۳	۰/۰۰۰۰
LEV	-۰/۰۰۰۹	-۲/۴۱۳	۰/۰۱۶۰	-۰/۰۰۰۹	-۲/۴۱۳	۰/۰۱۶۰
AGE						
ضریب تعیین		۰/۲۳۴			۰/۲۱۹	
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۲۲۳			۰/۲۱۵	

مدل ROA (نتایج حاصل از مدل او ۳)					
تعدیل مدل با اعمال محافظه‌کاری حسابداری			بدون تعدیل مدل		
احتمال آماره t	آماره t	β	احتمال آماره t	آماره t	β
	۱/۵۰۹			۱/۵۴۱	آماره بروش گادفری
	۰/۳۳۸			۰/۱۷۴	احتمال آماره بروش گادفری
	۲۰/۹۵۲			۴۶/۵۷۲	آماره F
	۰/۰۰۰			۰/۰۰۰	احتمال آماره F

جدول ۷. نتایج حاصل از برآورد الگوی (۴ و ۲) پژوهش برای مشخص نمودن نوع ارتباط بین متغیرهای پژوهش

مدل Tobin's Q (نتایج حاصل از مدل‌های ۲ و ۴)						
تعدیل مدل با اعمال محافظه‌کاری حسابداری			بدون تعدیل مدل			متغیرها
احتمال آماره t	آماره t	β	احتمال آماره t	آماره t	β	
۰/۰۰۰	۹/۴۷۶	۳/۴۷۱	۰/۰۰۰	۸/۷۵۷	۳/۲۶۴	α_0
			۰/۰۰۰۳	۳/۵۲	۰/۴۷۹	INSTIT
			۰/۰۱۵۶	۲/۴۲۲	۰/۴۳۷	CONC
۰/۰۰۰۳	۶/۱۱۰	۰/۰۹۰۰				*INSTIT CONSER
۰/۰۱۵۶	۲/۲۴۲	۰/۰۳۵۰				*CONC CONSER
۰/۰۰۰۷	-۳/۳۱۸	-۰/۰۵۶	۰/۰۰۰۷	-۳/۳۸۷	-۰/۰۸۶	SIZE
۰/۰۰۰	-۷/۶۴۴	-۱/۳۱۹	۰/۰۰۰	-۷/۶۳۷	-۱/۳۵۸	LEV
۰/۶۴۴	۰/۴۶۱	۰/۰۰۱۱	۰/۱۱۸۹	۱/۵۶۱	۰/۰۰۴	AGE
	۰/۱۵۴			۰/۱۵۵		ضریب تعیین
	۰/۱۴۹			۰/۱۴۳		ضریب تعیین تعدیل شده
	۱/۹۳۸			۱/۹۹۳		آماره بروش گادفری
	۰/۰۸۶۲			۰/۰۷۷		احتمال آماره بروش گادفری
	۳۰/۲۵۴			۱۲/۶۰۷		آماره F
	۰/۰۰۰			۰/۰۰۰		احتمال آماره F

سطح معناداری در جداول ۷ و ۶ نشان می‌دهد که غیر از عمر شرکت در مدل‌های ۱، ۳ و ۴ بقیه متغیرها مستقل و کنترلی در ۴ مدل مطرح شده در این پژوهش بر عملکرد شرکت تاثیرگذار هستند به عبارت دیگر با ایجاد تغییرات در آنها، عملکرد شرکت بهبود یا تضعیف می‌شود.

فرضیه اول: محافظه‌کاری حسابداری می‌تواند نقش موثری در کاهش تاثیر منفی تمرکز مالکیت بر عملکرد شرکت ایفا کند.

این فرضیه به بررسی تاثیر محافظه‌کاری حسابداری بر رابطه بین تمرکز مالکیت و عملکرد شرکت می‌پردازد. در ابتدا باید رابطه بین تمرکز مالکیت و عملکرد شرکت

مشخص شود. با توجه به ضریب تمرکز مالکیت در جداول فوق می توان نتیجه گرفت که تمرکز مالکیت بر عملکرد شرکت تاثیر مثبت دارد، بدان معنا که با افزایش تمرکز مالکیت، عملکرد شرکت بهبود پیدا می کند. اما با اعمال محافظه کاری حسابداری در این رابطه ضریب تمرکز مالکیت بر عملکرد شرکت در مدل ROA از ۰/۰۸۹ به ۰/۰۶۹ و در مدل کیوتوین از ۰/۴۳۷ به ۰/۳۵۰ کاهش یافته است. به عبارت دیگر شیب خط رگرسیون ملایم تر از حالت قبل شده است. بدین ترتیب می توان گفت نتایج حاصل از تحقیق، حاکی از آن است که محافظه کاری حسابداری نقش مثبتی در رابطه بین تمرکز مالکیت و عملکرد شرکت ایفا نکرده است. به عبارت دیگر نقش مثبت تمرکز مالکیت بر عملکرد شرکت با اعمال محافظه کاری حسابداری کمرنگ تر شده است.

با توجه به مبانی نظری تحقیق که استدلال نمود محافظه کاری حسابداری می تواند نقش موثری بر روابط تمرکز مالکیت و عملکرد شرکت از طریق کاهش رفتار فرصت طلبانه سهامداران عمده داشته باشد و نتایج حاصل از آزمون فرضیه که نشان دهنده وجود رابطه مثبت بین تمرکز مالکیت و عملکرد شرکت و نقش محافظه کاری حسابداری در تضعیف این رابطه، این فرضیه در سطح اطمینان ۰/۹۵ مورد تأیید قرار نمی گیرد. نتیجه آزمون این فرضیه، مخالف با نتایج پژوهش حمدان (۲۰۱۷) می باشد.

فرضیه دوم: محافظه کاری حسابداری می تواند نقش موثری در افزایش تاثیر مثبت مالکیت نهادی بر عملکرد شرکت ایفا کند.

این فرضیه به بررسی تاثیر محافظه کاری حسابداری بر رابطه بین مالکیت نهادی و عملکرد شرکت می پردازد. در ابتدا باید رابطه بین مالکیت نهادی و عملکرد شرکت مشخص شود. با توجه به ضریب مالکیت نهادی در جداول ۷ و ۶ می توان نتیجه گرفت که مالکیت نهادی بر عملکرد شرکت تاثیر مثبت دارد، بدان معنا که با افزایش سهم سهام متعلق به سهامداران نهادی، عملکرد شرکت بهبود پیدا می کند. اما با اعمال محافظه کاری حسابداری در این رابطه ضریب مالکیت نهادی بر عملکرد شرکت در مدل ROA از ۰/۰۵۹ به ۰/۰۵۷ و در مدل کیوتوین از ۰/۴۷۹ به ۰/۰۹۰۰ کاهش یافته است. به عبارت دیگر شیب خط رگرسیون ملایم تر از حالت قبل شده است.

بدین ترتیب می توان گفت نتایج حاصل از تحقیق، حاکی از آن است که علی رغم تاثیر مثبت مالکیت نهادی بر عملکرد شرکت با توجه به تاثیر منفی محافظه کاری حسابداری، این فرضیه در سطح اطمینان ۰/۹۵ مورد تأیید قرار نمی گیرد. نتیجه آزمون این فرضیه، مخالف با نتایج پژوهش حمدان (۲۰۱۷) می باشد.

این مطالعه مارا با نتایج بیشتری در ارتباط با رابطه بین متغیر کنترلی و عملکرد شرکت آشنا می‌کند. در مدل ROA اندازه شرکت رابطه مثبت و اهرم مالی و مدت زمان حضور شرکت‌ها در بورس اوراق بهادار رابطه منفی با عملکرد شرکت، حتی با حضور محافظه کاری حسابداری دارند. در مدل کیو توین تاثیر اندازه شرکت بر عملکرد با توجه به محافظه کاری حسابداری منفی است به آن معنا که شرکت‌های کوچک می‌توانند از طریق استفاده از دارایی‌های خود و حسن شهرت در بازار، بازده بیشتری کسب کنند (حمدان، ۲۰۱۷). همچنین نتایج پژوهش حاکی از وجود رابطه منفی بین اهرم مالی و عملکرد شرکت می‌باشد به این معنا که هر چه تامین مالی شرکت از جانب بدهی‌ها افزایش یابد مطلوبیت عملکرد شرکت کاهش می‌یابد و در نهایت در مدل کیو توین بین مدت زمان حضور شرکتها در بورس اوراق بهادار با عملکرد شرکت رابطه معناداری یافت نشد.

بحث و نتیجه‌گیری

در ابتدای پژوهش با این استدلال به نگارش فرضیه اول پرداخته شد که سهامداران عمده و اقلیت دارای منافع و اهداف متفاوتی از هم هستند. تمرکز مالکیت اگرچه منجر به کاهش هزینه‌های جدایی مالکیت و مدیریت و در نهایت سودمندی شرکت می‌شود، با این وجود سهامداران عمده می‌توانند از این پیشرفت شرکت تنها برای منافع خود بهره مند شوند و باعث انتقال ثروت از سمت سهامداران اقلیت به سمت خود شوند که این رفتار می‌تواند کارایی عملیاتی شرکت را کاهش دهد. در صورت وجود این شرایط محافظه کاری حسابداری خواهد توانست با اعمال دو شرط، وجود جانب‌داری در ارائه کمتر از واقع ارزش دفتری نسبت به ارزش بازار و تمایل به تسریع در شناسایی زیان‌ها و به تعویق انداختن شناسایی سود، نقش موثری در محدود کردن آزادی عمل سهامداران عمده و کاهش تاثیر منفی تمرکز مالکیت بر عملکرد شرکت ایفا کند.

اما با توجه به نتایج آماري ارائه شده در بخش قبل مشخص شد که تمرکز مالکیت رابطه مثبت و مستقیمی با عملکرد شرکت دارد و به نظر می‌رسد، از آن جهت که هزینه استعمال و انتقال منافع شرکت بالا است، سهامداران عمده ترجیح می‌دهند تا از بازده حاصل از بهبود عملکرد شرکت استفاده کنند. به عبارت دیگر با توجه به ساختار تمرکز مالکیت در ایران به نظر می‌رسد، تمرکز مالکیت نقش خود را به عنوان یکی از ابزارهای

راهبری شرکت به خوبی ایفا کرده است. اما آیا محافظه کار بودن حسابداری می‌تواند باعث حفظ و تقویت اثرات مثبت تمرکز مالکیت بر عملکرد شرکت شود؟ نتایج جدول (۶ و ۷) حاکی از آن است که محافظه کاری حسابداری علی‌رغم مبانی نظریه ارائه شده قادر به کاهش تقارن اطلاعاتی، کمک به مکانیزم راهبری شرکتی برای حذف تضاد منافع بین مالکیت و مدیریت و یا اقشار مختلف سهامداران از جمله سهامدار اقلیت و عمده، و کاهش تاثیر منفی یا افزایش تاثیر مثبت ساختار مالکیت بر عملکرد شرکت نبوده، و بالعکس باعث تضعیف روابط این دو شده است. در نهایت می‌توان استدلال کرد محافظه کاری حسابداری قادر به تقویت تاثیر مثبت تمرکز مالکیت بر عملکرد شرکت نبوده و فرض اول تایید نمی‌شود. در نهایت با این استدلال به نگارش فرضیه دوم پرداخته شد که مالکیت نهادی از محافظه کاری حسابداری برای کنترل شرکت استفاده می‌کنند بر این اساس، بین مالکیت نهادی و محافظه کاری حسابداری رابطه معناداری وجود دارد. نهادهای دارای افق بلند و مستقل از مدیریت (نهادهای نظارتی)، به احتمال زیاد بر مدیران نظارت می‌کنند. مالکیت نهادی مانع رفتار فرصت طلبانه و خوشبینی مدیران در ارائه سود حسابداری بوده، و با افزایش سطح مالکیت آنها تمایل شرکتها به استفاده از رویه های محافظه کارانه بیشتر می‌گردد. بر این اساس، مالکان نهادی فعالانه بر مدیران و تصمیمات و رویه‌های حسابداری اتخاذ شده از سوی آنها نظارت می‌کنند. نتایج آماری ارائه شده حاکی از رابطه مثبت و معنادار بین مالکیت نهادی و عملکرد شرکت است و نشان می‌دهد هرچه درصد سهام متعلق به سهامداران نهادی افزایش یابد عملکرد شرکت رو به بهبود می‌رود. اما استدلال مطرح شده درخصوص تاثیر مثبت محافظه کاری حسابداری برای تقویت این رابطه مورد تایید قرار نگرفت. به عبارت دیگر با افزایش محافظه کاری حسابداری تاثیر مالکیت نهادی به عنوان یکی از عناصر مهم راهبری شرکتی بر روی عملکرد شرکت تضعیف شد. بر این اساس، فرض دوم نیز مورد تایید قرار نگرفت. در ادامه موضوعاتی چند برای تحقیقات آتی و کاربردی پیشنهاد می‌شود:

در این پژوهش به بررسی نقش محافظه کاری حسابداری در رابطه بین ساختار مالکیت از دو بعد تمرکز مالکیت و مالکیت نهادی بر عملکرد شرکت پرداخته و از بررسی تاثیر سایر ابعاد ساختار مالکیت از جمله مالکیت دولتی، مالکیت خصوصی، مالکیت شرکتی و مالکیت خارجی بر عملکرد شرکت صرف نظر شده است. از این رو پژوهشهای آتی می‌تواند انواع ساختار مالکیت را مورد توجه قرار دهند. این پژوهش به منظور دستیابی به

نتایج اتکاپذیر اثر برخی از متغیرهای تاثیرگذار از جمله عمر شرکت و اندازه شرکت و اهرم مالی را به عنوان متغیر کنترلی مد نظر قرار داد. پژوهشهای آتی می‌توانند سایر عوامل تاثیرگذار از جمله رشد شرکت و سود آوری شرکت را به منظور دستیابی به نتایج قابل اتکا کنترل کنند. با توجه به نتایج حاصل از مدل‌های ۱ و ۲ تحقیق در خصوص تاثیر ساختار مالکیت بر عملکرد شرکت، به استفاده‌کنندگان صورتهای مالی پیشنهاد می‌شود هنگام استفاده از صورتهای مالی شرکتها به ساختار مالکیت و ترکیب سهامداران شرکت توجه بیشتری به عمل آورند. نتایج این پژوهش نشان داد استفاده از رویه‌های محافظه‌کاری حسابداری قادر به کاهش تضاد منافع و تقارن اطلاعاتی بین مالکیت و مدیریت و یا سهامداران عمده و اقلیت نیست. از این رو پیشنهاد می‌شود تا مکانیزم‌های نظارتی لازم برای کاهش تضاد منافع و تقارن اطلاعاتی از سوی نهادهای قانون‌گذار فراهم شود.

یادداشت‌ها:

- | | |
|--------------------------------|----------------------------|
| 1. Freeman | 2. abid |
| 3. Donaldson & Preston | 4. Puyvelde |
| 5. Cadbury & Malin | 6. Balachandram & Mohanram |
| 7. Abu zraig. H & Bt fadzil. H | 8. Hamdan |
| 9. Shan & Gong | 10. Al-Nimer |

منابع

- افلاطونی، عباس (۱۳۹۲). تجزیه و تحلیل آماری با *views* در تحقیقات حسابداری و مدیریت مالی، تهران: انتشارات ترمه
- امامی، احمد؛ بدیعی، حسین و تاروی وردی، یدالله (۱۳۹۵). تاثیر نظام راهبری شرکتی بر محافظه‌کاری حسابداری، *مجله اقتصادی شماره ۷*، صفحات ۷۹-۹۲
- خاکی، غلامرضا (۱۳۹۴). *روش تحقیق در مدیریت (با رویکرد پیمایشی)*، چاپ چهارم، تهران: نشر فوزان
- رضایی، شاهد و محمدزاده، امیر (۱۳۹۷). بررسی تاثیر راهبری شرکتی بر عملکرد مالی و بحران مالی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار، *مجله مدیریت توسعه و تحول*

سورگی، محمد و رخشانی، محمدحسین (۱۳۹۶). بررسی رابطه ساختار مالکیت دولتی و محافظه کاری حسابداری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، سومین کنفرانس بین‌المللی تکنیک‌های مدیریت و حسابداری.

صنعی‌آباده، محمد (۱۳۹۲). داده کاوی کاربردی، تهران: انتشارات نیاز دانش

کم، مهران (۱۳۹۲). بررسی رابطه ساختار مالکیت و محافظه کاری حسابداری، همایش

سراسری حسابداری ایران - وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

مکرمی، یداله (۱۳۸۵). اصول نظام راهبری بنگاه، فصلنامه حسابرس، شماره ۳۲، بهار ۸۵

مهرانی، ساسان؛ مرادی، محمد و اسکندر، هدی (۱۳۸۹). رابطه نوع مالکیت نهادی و

حسابداری محافظه کارانه، مجله پژوهش‌های حسابداری مالی، شماره دوم، سال اول، شماره

پیاپی ۳، صص ۶۲-۴۷

نکونام، جعفر و نکونام، محمد (۱۳۹۱). بررسی رابطه ساختار مالکیت و عملکرد

شرکت، دانشگاه الزهراء، دهمین همایش ملی حسابداری ایران

Abu Zraiq Mohammad, A and Hanim BT Fadzil, F. (2018). The Impact of Ownership Structure on Firm Performance: Evidence from Jordan. *International Journal of Accounting, Finance and Risk Management*. Vol. 3, No. 1, 2018, pp. 1-4.

Aflatonie, A (2014). *statistical Analysis with eviws in accounting and financial management research*, Tehran, publication terme

Afolabi, A and Sy, a. (2016). Corporate governance practices as a reflection of the institutions, economics and political environment in Sub-Saharan Africa Anglophone countries, *International Journal of Critical Accounting*, Vol. 8, Nos. 5-6, pp.417-432.

Alkurdi1, H; Al-Nimer, M and Dabaghia, M. (2017). Accounting Conservatism and Ownership Structure Effect: Evidence from Industrial and Financial Jordanian Listed Companies; *International Journal of Economics and Financial Issues* / Vol 7 • Issue 2 • 2017

Amamy, A; badiye, H; Tare,y (2017). Impact of corporate governance on accounting conservatism, *Journal of economic*, Number 7, pp 79-92

Balachandran, s and Mohandram, p. (2011). Is the decline in value relevance of accounting driven by increased conservatism, review of

accounting studies, June 2011, volume 16, issue 2, and pp 272-301

Ball, R.I and Shivakumar, L. (2005). Earnings quality in UK private firms: comparative loss recognition timeliness, *Journal of Accounting and Economics*, Vol.39, pp83- 128.

Chen, j. (18 apr 2019). Corporate governance definition, Accessed 5 June 2019, from www.investopedia.com

Collin and A.nasr, M. (2019). Corporate Governance Mechanisms and Accounting Conservatism: Evidence from Egy, *University of Southampton Southampton*, SO17 1BJ, UK pt

Cullinan, C; Wang, F; Wang, P and Zhang, J. (2012) 'Ownership structure and accounting conservatism in China', *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, Vol. 21, No. 1, pp.1-16.

Hamdan, A, (2017); the role of accounting conservatism in the relationship between ownership structure and firm performance; *Int. J. Critical Accounting*, Vol. 9, Nos. 5/6 pp 524-537

Kam, m (2014). Relationship between Ownership structure and accounting conservatism, congress accounting iran- the ministry of science, research and technology

Khaki, Gh (2016). *Research in the management (approach survey)*, fourth edition, Tehran, publication phojan, pp 83-211

Makromy, Y (2007).principles of Corporate governance, *Journal of the auditor*, number 32, spring 85

Mehrany, s; morady, m; ascandary, h(2011). The relationship between the type of Institutional ownership and accounting conservatism, *journal of research financial accounting*, number 2, pp 47-62. [in Persian]

Monteriro, C. (2019). Ownership structure and firm performance; evidence from Belgium, *University of Twente*, February 13, 2019, Student number: S1945378

Nekonom, j; nekonam, m .(2013). the relationship between ownership structure and firm performance, *alzahra university*, the tenth national conference accounting iran

Rezayi, sh; mohammadzade, A (2019). Effect of corporate governance in financial performance and financial crisis companys listed in stock exchange, *Journal of management development* 32, pp81-88. [in Persian]

Saniei abade, m (2014). *To obtain functional data*, Tehran, publication nyaze danesh

Shan, H and Gong, G. (2017). The impact of ownership structure on firm performance: static and dynamic panel data evidence from china's listed companies; 2016 National Convention on Sports Science of China; DOI: 10.1051/ncssc/201701017

Sorge, m; rakhshany, m (2018). Relationship between Government ownership and accounting conservatism companys listed in tehran stock exchange, the third international conference on techniques management and accounting

Watts R. L. (2003). Conservatism in Accounting, Part I: Explanations and Implications, *Accounting Horizons*; 17(3): 207-221.